

## بررسی اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب قلب آسیا طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴

محمد مختار فرهنگ<sup>۱\*</sup>، علیرضا محسنی<sup>۲</sup>

۱- دانش آموخته ماستری اقتصاد دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان (نویسنده مسئول)

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

### چکیده

دولت به عنوان یکی از عناصر مهم در رشد اقتصادی کشورها تلقی شده که در طول زمان کوشش شده تا این نقش بصورت همه جانبه بررسی گردد. مطالعه حاضر تلاش کرده است تا با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، به بررسی تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب قلب آسیا طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ بپردازد. با توجه به نتایج بدست آمده، اندازه دولت و نرخ تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای شامل تحقیق داشته است. این تأثیر به نحوی است که افزایش یک واحد در اندازه دولت و نرخ تورم به ترتیب منجر به کاهش ۳٫۶۲ و ۰٫۴۸ واحدی در رشد اقتصادی این کشورها می‌شود. علاوه بر این تشکیل سرمایه ناخالص نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته، بطوری که افزایش یک واحد آن باعث افزایش ۰٫۳۵ واحدی رشد اقتصادی شده و نرخ رشد جمعیت و آزادی تجاری بسته به شرایط تخمین مدل، اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی نداشته است.

**واژه‌های کلیدی:** رشد اقتصادی، اندازه دولت، پیل دیتا

### مقدمه

یکی از مهمترین سوالات در اقتصاد این است که چرا بعضی از کشورها ثروتمند هستند و بعضی فقیر؟ چرا برخی از آنها از رشد اقتصادی بالایی برخوردارند، ولی بعضی دیگر از چنین شرایطی بی بهره‌اند؟ توجه به اقتصاد در بلند مدت و مطالعه آن جهت پاسخگویی به سوالات فوق موضوع رشد اقتصادی است. این سوال که چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تعیین می‌کند و اینکه نرخ رشد چگونه از طریق سیاست‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرد، همواره مورد توجه اقتصاددانان توسعه بوده است. رشد اقتصادی افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین است و در مفهوم کلی «افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره مشابه» را رشد اقتصادی می‌گویند (تودارو، ۱۳۷۸).

این تحقیق از نوع کاربردی می‌باشد که با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا برای کشورهای مورد مطالعه صورت می‌گیرد. جامعه آماری مورد استفاده در این تحقیق کشورهای منتخب قلب آسیا شامل ۸ کشور: افغانستان، چین، آذربایجان، هند، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان و ایران بوده و طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ تخمین زده می‌شود. با شروع دهه سوم قرن بیستم و وقوع بحران اقتصادی در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته و به دنبال شکست نظام بازار در ایجاد تعادل‌های اقتصادی، دولت‌ها همواره به عنوان کنترل کننده فعالیت‌های اقتصادی و همچنین در نقش عامل اقتصادی مطرح بوده‌اند، زیرا رشد و توسعه اقتصادی برای آنها به عنوان یک اصل اقتصادی مطرح بوده و بعضی اوقات بخش دولتی به تنهایی و یا به همراه بخش خصوصی تأمین کننده آن بوده است. وجود این پدیده در طول زمان منجر به پیدایش سوالاتی در این ارتباط که چه بخشی و با چه حدی از فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند بالاترین نرخ رشد اقتصادی و بهترین تخصیص منابع را ایجاد نماید، شده است.

### مبانی نظری

مطالعه اثر اندازه دولت روی عملکرد کلی اقتصاد و رشد مهم است. اندازه دولت در اقتصاد عموماً با محاسبه نسبت کل مخارج دولت به تولید (هزینه) ناخالص داخلی، که هر دو متغیر به قیمت‌های جاری هستند، سنجیده می‌شود. اندازه دولت به نوعی تبلور عینی، واقعی و عملی نقش و کارکرد دولت در اقتصاد است. امروزه دولت‌ها نه تنها به عنوان نهاد قانونی برای اداره کشور، بلکه به عنوان یک واحد اقتصادی که فعالیت آن نقش تعیین کننده در جهت‌گیری کلی اقتصادی دارد، مطرح می‌شود. با توجه به این که رشد اقتصادی از هدف‌های اولیه و اساسی هر نظام اقتصادی است، بررسی تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. حال سؤال اینجاست که اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای مورد

مطالعه چه اثری دارد؟ همچنین با توجه به سوال فوق، چنین فرضیه ای مطرح می‌شود که اندازه دولت اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد.

ریچارد آرمی<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) بیان می‌کند که افزایش مداخله دولت و گسترش آن در دولت‌های کوچک، با افزایش تولید همراه است. در حالی که با گسترش اندازه آن از یک آستانه خاص، از ویژگی‌های افزایشی تولید کاسته می‌شود. از دلایل این امر می‌توان به استقرار دولت و یا افزایش مالیات‌ها به منظور تأمین مخارج دولت بزرگ شده اشاره نمود که منجر به کاهش انگیزه کسب و کار و در نتیجه توقف و یا کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

از سویی شی‌هی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) در توجیه رابطه فوق، بیان می‌نماید که دولت با اندازه کوچک در تأمین کالاهای عمومی، تأمین اجتماعی افراد جامعه، دفاع از مالکیت‌های معنوی و ... موفق‌تر است و همزمان با افزایش اندازه دولت، افزایش نرخ مالیات‌ها منجر به خروج سرمایه و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. مبانی نظری که به تبیین رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند را از دو دیدگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد. در دیدگاه اول اثرگذاری مثبت یا منفی اندازه دولت بر رشد اقتصادی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و اندازه بهینه دولت موضوع مورد بحث در دیدگاه دوم می‌باشد. بر اساس دیدگاه اول دو نقطه نظر اساسی وجود دارد:

۱- اندازه بزرگتر دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. اعمال دولت از ناکارایی برخوردار است. برای مثال، عهده‌دار شدن سرمایه‌گذاری‌های عمومی با هزینه‌های سنگین و مالکیت ناکارا در بخش‌های زراعت، صنعت، انرژی، بانک و خدمات مالی، امکانات را برای سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی کاهش می‌دهد. در نتیجه در بلندمدت اندازه بزرگتر دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این تأمین بودجه دولت از طریق بدهی‌های داخلی و خارجی، سیستم‌های مالی خصوصی را تحت فشار قرار می‌دهد و در نتیجه فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌های سودآور را از بخش‌های خصوصی می‌گیرد.

۲- دولت نقش اساسی را در توسعه کشورها بازی می‌کند و بنابراین در بلندمدت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورها دارد. از نقطه نظر این گروه در تعارض‌هایی که بین منافع شخصی و عمومی پیش می‌آید دولت در جهت هدایت اقتصاد به سمت نقطه بهینه رشد و توسعه نقشی اساسی و کلیدی را بر عهده‌دارد.

1. Armey, R.
2. Sheehy, E.

در دیدگاه دوم برای مخارج دولت یک نقطه بهینه متصور هستند که بر این اساس مخارج دولت را به دو قسمت مخارج مولد و غیر مولد تقسیم می‌کنند. به عبارتی داریم:

$$GE_t = PE_t + UE_t$$

بطوری که  $GE_t$  کل مخارج دولت را نشان می‌دهد،  $PE_t$  آن بخش مولد مخارج دولت مثل سرمایه‌گذاری‌های موثر در سرمایه انسانی، زیر ساختها، قانون گذاری ها و ...،  $UE_t$  بخش غیر مولد از مخارج دولت مثل بوروکراسی اضافی، فسادهای مالی، برنامه‌ریزی‌های غیر موثر و ... را نشان می‌دهد. بر این اساس برای مخارج دولت یک نقطه بهینه می‌توان متصور بود و آن هنگامی است که  $UE_t=0$  باشد.

تئوری‌های اندازه دولت را می‌توان چنین بیان کرد:

**تئوری رودریک:** طبق این تئوری هرچه اقتصاد یک کشور بازرتر شود، این کشور در قبال نوسانات قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی که به شکل شوک‌های رابطه مبادله ظاهر می‌شود، آسیب‌پذیرتر خواهد بود. به نظر رودریک در کشورهای در حال توسعه که دولت فاقد توانایی لازم برای ارائه موثر چنین خدماتی است، گسترش دولت برای استخدام افراد بیشتر و مصون کردن آنها از ریسک‌های ناشی از تجارت بین‌الملل انتخابی طبیعی بوده است. در نقد این تئوری می‌توان به این واقعیت توجه کرد که رشد عمده دولت‌ها بیشتر در هنگام بحرانهای داخلی نظیر بحران بزرگ بوده است و در این ایام هنوز نوسانات تجارت بین‌الملل آنقدر جدی نبوده که بتواند چنین تبعات بزرگی را به دنبال داشته باشد.

**تئوری توهم مالی:** پیام محوری این تئوری این است که نمایندگان مجلس و بوروکرات‌ها می‌توانند به سادگی مردم را در مورد اندازه واقعی دولت فریب دهند. استدلالی که در پس این تئوری قرار دارد این است که مردم اندازه دولت را بر حسب مالیاتی که می‌پردازند می‌سنجند. حال اگر نمایندگان مجلس و بوروکرات‌ها بخواهند اندازه دولت را بزرگ کنند به نحوی که مستقیماً مالیات مردم افزایش یابد، با واکنش عمومی روبه‌رو می‌شوند. لذا این کار را به شکلی غیرمستقیم انجام می‌دهند، البته تأیید تجربی چندان برای این دیدگاه پیدا نشده است.

**خصوصیات اندازه دولت از نظر واگنر:** یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌های رشد اندازه دولت قانون واگنر (۱۸۸۳) است. از آنجا که قانون واگنر اساس نظریه‌های اندازه دولت مبتنی بر بخش تقاضا است، در ابتدا قانون واگنر مورد بحث قرار می‌گیرد. قانون واگنر مبتنی بر سه بخش مجزا بود. اول، وی مشاهده کرد که رشد

اقتصادی نیازمند ابداع مستمر، قوانین جدید و توسعه ساختار حقوقی است و دوم اینکه فرآیند شهرنشینی و آثار خارجی مرتبط با آن طی زمان گسترش یافتند و این عوامل افزایش مستمر در مخارج عمومی را در پی داشت. دو عامل بیان شده در مدل‌های توسعه نیز مورد توجه قرار گرفتند، اما جزء سوم قانون واگنر که تحلیل وی از سایر استدلال‌هایی که در مورد رشد اندازه دولت مطرح است، متمایز می‌سازد، یک جزء رفتاری است. واگنر استدلال کرد که در کالاهای عرضه شده بوسیله بخش عمومی از کشش درآمدی بالایی برخوردارند، در نتیجه، با افزایش در ثروت اقتصادی تقاضا برای این کالاها بیشتر می‌شود. به این ترتیب یکی از دلایل رشد سهم دولت در درآمد ملی طی زمان، رشد GDP حقیقی سرانه است. واگنر منحصرأ بر بخش تقاضای خدمات عمومی تمرکز کرد، اما آنچه در واقعیت سطح خدمات عمومی را مشخص می‌کند، تقابل بین عرضه و تقاضای خدمات عمومی است. جملات ذیل به درستی گویای نظریه واگنر می‌باشد: «هم چنان که جامعه صنعتی می‌شود، مجموعه ارتباطات قانونی، بازرگانی و اجتماعی بسیار پیچیده تر می‌گردد و در عین حال نقش دولت در برقراری نظام تشکیلاتی و کنترل این پیچیدگی بسیار با اهمیت جلوه می‌کند. وظایف حفاظتی و برقراری نظام تشکیلاتی خود به خود مستلزم رشد اندازه بودجه عمومی است». الگوهای توسعه‌ای رشد مخارج دولت (ماسگریو و روستو): تحلیل علل رشد مخارج دولت در قالب تئوری‌های توسعه توسط ماسگریو و روستو به صورت زیر صورت گرفته است: از نظر ماسگریو: «با افزایش نسبت هزینه کل سرمایه‌گذاری به درآمد ناخالص ملی در مراحل توسعه و رشد اقتصادی سهم هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت نسبت به درآمد ناخالص ملی کاهش می‌یابد». از نظر روستو: «با رسیدن به مرحله بلوغ رشد و توسعه، ساختمان هزینه‌های دولت در جهتی تغییر می‌کند که نسبت به هزینه‌های دیگر بخش عمومی و درآمد ناخالص ملی افزایش می‌یابد».

تئوری رشد نامتوازن ویلیام بامول: این نظریه به الگوی اسکاندیناوی تورم معروف است، او اقتصاد را به دو بخش پیشرو (بخش خصوصی و غیر پیشرو (بخش دولتی) تقسیم می‌کند. فرض‌های زیر را در این مدل اعمال می‌کند: فرض اول: کالا و خدمات بخش دولتی از کشش و قیمتی کمتر برخوردارند. فرض دوم: بهبود و افزایش بهره‌وری در بخش خصوصی بیشتر از بخش عمومی می‌باشد. فرض سوم: نرخ معاش در هر دو بخش خصوصی و عمومی یکسان است. می‌توان گفت اگر نرخ تولید بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی ثابت بماند، در این صورت منابع نیروی کار باید از بخش خصوصی به عمومی منتقل شود. بامول می‌گوید که تغییرات بهره‌وری ناشی از تغییرات تکنولوژی می‌باشد و تغییرات تکنولوژی بیشتر در مورد تجهیزات سرمایه‌ای صادق است و با توجه به اینکه فعالیت‌های دولت اکثراً خدماتی هستند لذا افزایش

بهره‌وری کمتر صورت می‌گیرد و منجر به افزایش هزینه واحد تولید می‌شود (شاکری، عباس. آماده، حمید. محمدیان، فرشته. ۱۳۹۲).

دو معیار برای تعیین اندازه دولت وجود دارد که اکثر محققان استفاده می‌کنند: سهم خریدهای دولت (به عبارتی دیگر، هزینه‌های دولت که از پرداخت‌های انتقالی مستثنی شده) در تولید ناخالص داخلی و کل هزینه‌های سرانه دولت به تولید ناخالص داخلی. دلیل داشتن شاخصی محدودتر مستلزم این است که اولاً پرداخت‌های انتقالی از جمله تامین اجتماعی را در تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته نشود؛ و دوماً صرف برداشتن پول از یک نفر و دادن آن به نفر دیگر بیانگر فعالیت اقتصادی نیست درست همانطور که مثلاً دولت پولی را بگیرد و در مقابل خدمات دولتی، ساختن جاده، یا خرید تسلیحات نظامی ارائه دهد. اثر پرداخت‌های انتقالی بر عملکرد کل اقتصاد ممکن است کمتر از خریدهای دولتی باشد، اما هر دوی پرداخت‌های انتقالی و خریدهای دولتی نرخ‌های متوسط (و احتمالاً نرخ نهایی) مالیات را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، همانطور که پیش تر به آن پرداختیم، بعضی از هزینه‌های دولت، از جمله دفاع ملی، پلیس، سیستم قضایی از بارزترین نمونه‌های کالای عمومی هستند که منافی را همراه داشته و ممکن است باعث افزایش فعالیت اقتصادی شود. منافع اجتماعی پرداخت‌های انتقالی کاملاً مشهود و مشخص نیست: احتمالاً از فقر و نابرابری کاسته، نوسانات درآمدی را کاهش داده، یا ثبات اجتماعی برقرار می‌کند، و غالباً بخش اعظمی از پرداخت‌های انتقالی شامل بهره‌دهی‌هایی است که صرفاً بیانگر پرداخت خریدهای دولت‌های پیشین است. اما هیچ کدام از این دو معیار به اندازه کافی اندازه نقش دولت در اقتصاد را نشان نمی‌دهد. بسیاری از اقدامات دولت هزینه‌ای ناچیز داشته یا کلاً هزینه‌ای در بر ندارد، اما بالقوه اثر زیادی بر اقتصاد می‌گذارد. اولین هزینه بودجه دولت در رابطه با مقررات و محدودیت‌های تجاری در عمل مشخص می‌شود، اما این امر تنها بخش کوچکی از تاثیر اقتصادی را شامل می‌شود. نظریه ارتباط بین مخارج دولت و رشد اقتصادی، از جمله مباحث پیچیده اقتصادی قلمداد می‌شود که برای نخستین بار در سال ۱۶۵۱ توماس هابس آن را مطرح کرد. هابس زندگی اجتماعی بدون حضور دولت را نامطبوع و مشکل، ناقص و غیر انسانی می‌داند و اعتقاد دارد که نظم، مقررات و کالاها و خدماتی که از سوی دولت عرضه می‌شود، جزء اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی انسان است. بر اساس نظریه هابس، عملکرد دولت در زمینه‌هایی نظری حمایت از حقوق مالکیت تشویق‌کننده رشد اقتصادی است. از زاویه دیگر، حقوق مالکیت مشوق تنظیم و اجرای قراردادها بوده و همچنین برقراری نظام پولی پایدار به نوبه خود زمینه عملکرد با ثبات پولی را فراهم می‌سازد. دولت می‌تواند رشد اقتصادی را از طریق توسعه امور زیربنایی تقویت نماید. علاوه بر آن، کالاهایی مانند "کالای

عمومی" دارای خصوصیات "سواری مجانی" هستند که از جمله موارد شکست بازار تلقی شده و هزینه ارائه آن قابل دریافت نیست و ارائه آنها رشد اقتصادی را تشویق می‌کنند. امور امنیت ملی، حقوق مالکیت، نظام قضایی و نظام پولی پایدار از جمله مواردی هستند که تقویت کننده رشد اقتصادی به شمار می‌روند، تا جایی که اثرات شناخته شده وجود کالاهای عمومی، اثرات خارجی و انحصارهای طبیعی موانع مهمی بر سر راه رشد باشند، انتظار می‌رود آن نوع از مخارج دولت که در جهت تصحیح این گونه مشکلات هستند، تقویت کننده رشد باشند. ما نیز به پیروی از بارو (۱۹۹۰) می‌توانیم اینها را «مخارج مولد» دولت بنامیم. مشکل دیگر این است که ارزش گذاری تولید دولت، ممکن است به برآورد بیش از حد رشد منجر شود. در حساب‌های مختلف، کالاها و خدمات دولتی برحسب هزینه تولید ارزش گذاری می‌شوند این رویه مشکلاتی را ایجاد می‌کند که پژوهشگران را در پی بردن به اینکه آیا افزایش مخارج دولت به بالا رفتن رشد اقتصادی منجر می‌شود، به بیراهه می‌کشد. این به خاطر فرض ضمنی است که تولید دولتی با فن‌آوری دارای بازدهی ثابت نسبت به مقیاس، تولید می‌شود و اینکه همه تولیدات دولت را به عنوان کالاهای نهایی طبقه بندی کرد و نه کالاهای واسطه‌ای که هزینه تولید بخش خصوصی را کاهش می‌دهند. دلیل دیگر این فرض است که ارزش بازاری کالاهای دولت با هزینه تولید برابر است. به هر حال نقش دولت و سیاست‌های اقتصادی در تقویت رشد به مراتب مهمتر از نیروهای بازار است. شایان ذکر است نقش مفید و موثر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی تا سطح آستانه خاصی ادامه می‌یابد و پس از آن به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد و برای آن سه دلیل عمده قابل ذکر است:

- ۱- دلیل اول، درآمدهای مالیاتی بالاتر برای تامین هزینه‌های دولت اجتناب‌ناپذیر است که خود عامل کاهش رشد است. وقتی دولت سهم بالاتری از درآمد عوامل تولید را به عنوان مالیات از آنها اخذ می‌کند، انگیزه آنها را برای افزایش فعالیت و افزایش بهره‌وری کاهش می‌دهد. گزینه دیگر برای تامین مالی دولت افزایش استقراض است که آن هم موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود، زیرا سبب افزایش نرخ مالیاتی در آینده خواهد شد. از این رو، حتی اگر بازدهی مخارج دولت کاهش نیابد، تاثیر افزایش مالیات‌ها و استقراض دولت بر کاهش انگیزه فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کاهش رشد اقتصادی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. زیرا منابع اقتصادی از بخش خصوصی به بخش دولتی انتقال می‌یابد و معمولاً بخش دولت کارایی کمتری دارد.
- ۲- دلیل دوم، با افزایش سهم بخش دولت از کل اقتصاد نسبت به بخش بازار، بازدهی نزولی هزینه‌های دولت پایدار می‌شود. مخارج اولیه و اساسی دولت در موارد شکست بازار و کالاهای ارجحیت دار و امور زیربنایی دارای بازدهی بالایی است، لذا توسعه آن به تقویت رشد کمک می‌کند. به تدریج با

افزایش مخارج دولت منابع به ارائه کالاهایی که دولت در تولید آنها بازدهی ندارد، انتقال می‌یابد (کالای خصوصی) و در این صورت بازدهی نزولی هزینه‌های دولت منجر به کاهش رشد خواهد شد. ۳- دلیل سوم، ساز و کار سیاسی انجام امور دارای پویایی کمتر در مقایسه با فرایند بازار است. اگر چه در شرایط جدید جهانی از طریق سهولت دسترسی بخش دولت به اطلاعات لازم جهت تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌ها بعد از مطالعات و دقت نظر کافی امکان‌پذیر است، هنوز بخش خصوصی به دلیل فضای رقابتی شدید و استفاده از ابتکارات و ابداعات موفق‌تر عمل می‌کند.

### پیشینه تحقیق

لاندا<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ۱۰۴ کشور، ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته را طی سال‌های ۱۹۶۱ الی ۱۹۶۷ بررسی کرده و به این نتیجه رسید که ارتباط منفی معنی‌داری بین سهم هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی واقعی و نرخ رشد GDP واقعی سرانه وجود دارد. لاندا هزینه‌های دولتی را به پنج نوع هزینه‌های مصرفی، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری، هزینه‌های نظامی و هزینه‌های انتقالی طبقه‌بندی کرد و به این نتیجه رسید که همه آنها تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند. لاندا در مقاله خود اثر مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی را منفی و کاملاً معنی‌دار به دست آورد.

گریب و تالوک<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) به بررسی اثرگذاری مخارج مصرفی دولت بر رشد اقتصادی در ۱۱۳ کشور طی دوره ۱۹۵۰ الی ۱۹۸۱ پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که مخارج مصرفی دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه نشان داد که مخارج مصرفی دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته است. همچنین رومر (۱۹۹۰) نیز نشان داد که نتایج رگرسیونی بیانگر این است که سهم هزینه‌های دولتی از GDP با نرخ رشد GDP سرانه واقعی، رابطه منفی دارد.

گوسه<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) با استفاده از روش OLS و تحلیل‌های سری زمانی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را در ۵۹ کشور مورد مطالعه قرار داده است. نتایج نشان داد که اندازه بزرگتر دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است.

1. Landaue, D.
2. Grier and Tullk
3. Guseh, J. S.



کنوپ<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) با استفاده از روش OLS و تحلیل‌های سری زمانی اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی آمریکا را طی دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۵ مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نتایج گزارش شده کنوپ تاکید می‌کند که کاهش اندازه دولت در آمریکا باعث کاهش رشد اقتصادی و رفاه می‌شود.

دار و خلخالی<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه پنبلی خود و با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۹۹ برای ۱۹ کشور OECD رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اندازه بزرگتر دولت از طریق اثرگذاری نامطلوب بر بهره‌وری کل باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. وینگ یوک (۲۰۰۵) نیز در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های سری زمانی برای دوره ۱۸۳۰-۱۹۹۳ میلادی برای کشور بریتانیا پرداخته است. نتایج حاکی از عدم وجود رابطه بلندمدت بین اندازه دولت و رشد اقتصادی است. اما در کوتاه‌مدت متغیر سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی (اندازه دولت) اثر منفی بر رشد داشته است.

روی<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) با استفاده از روش معادلات همزمان برای دوره ۱۹۹۸-۱۹۵۰، اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشور آمریکا را مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نتایج گزارش شده اندازه دولت بزرگتر دولت اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی آمریکا داشته است.

کمیجانی و نظری (۱۳۸۸) با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) و با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۳ به بررسی اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی پرداختند. آنها با ملاک عمل قرار دادن مبانی نظری کینزی نشان دادند که مخارج دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی ایران دارد. اگر چه سابقه موضوع تاثیر دولت بر فعالیت‌های اقتصادی بسیار طولانی است و به دوره کلاسیک‌ها بر می‌گردد، بررسی‌های علمی و کاربردی در خصوص "اندازه دولت" بحث جدیدی است.

### مدل تحقیق

در این تحقیق به منظور بررسی اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب قلب آسیا بین سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ از الگوی مطرح در مقاله لیزاردو و مولیک<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) استفاده شده است، که از رهیافت داده‌های تابلویی به تخمین آن می‌پردازیم:

$$GY_{it} = \alpha_i + \beta_1 GC_{it} + \beta_2 INV_{it} + \beta_3 OPEN_{it} + \beta_4 INF_{it} + \beta_5 PG_{it} + \varepsilon_{it}$$

1. Knoop, T. A.
2. Dar & Khalkhali
3. Roy, A. G.
4. Lizardo & Mollick

متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر به شرح زیر است:

GY: نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰

GC: معیاری برای اندازه دولت (مخارج مصرفی دولت عمومی به صورت درصدی از GDP)

INV: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از GDP

OPEN: حجم تجارت به صورت درصدی از GDP

INF: نرخ تورم

PG: نرخ رشد جمعیت

لازم به تذکر است که تمامی این متغیرها و داده‌های آنها از سایت بانک جهانی استخراج شده است.

### آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

بمنظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون لین-لویین استفاده می‌شود که نتایج حاصله قرار ذیل است:

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	مقدار آماره	احتمال آماره
نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی	-3.2054	0.0007
اندازه دولت	-3.1370	0.0009
تشکیل سرمایه ناخالص	-11.1890	0.0000
حجم تجارت	-3.8695	0.0001
نرخ تورم	-3.7718	0.0001
نرخ رشد جمعیت	-4.7215	0.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

فرض صفر این آزمون نیز به این صورت بیان می‌شود که متغیر مورد نظر مانا نیست که با توجه به نتایج حاصل در جدول فوق احتمال آماره تمامی متغیرها کوچکتر از ۵٪ هستند، لذا فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی همه متغیرها در سطح ۹۵٪ مانا هستند. بنابراین نتایج حاصل از رگرسیون قابل اتکا هستند.

### آزمون همجمعی متغیرهای تحقیق

برای بررسی وجود همجمعی بین متغیرهای تحقیق از روش همجمعی کائو استفاده می‌کنیم که قرار ذیل است:

جدول (۲) نتایج آزمون همجمعی کائو

آزمون	مقدار آماره	احتمال آماره
ADF	-2,316465	0.0103

منبع: یافته‌های تحقیق

چنانچه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، آماره کائو با احتمال ۵ درصد رد گردیده و نتایج آزمون نشان می‌دهد که یک تعادل بلند مدت بین رشد اقتصادی، اندازه دولت، تشکیل سرمایه، حجم تجارت، نرخ تورم و نرخ رشد جمعیت وجود دارد.

### آزمون اف لیمر

برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون اف لیمر استفاده می‌شود که به شرح ذیل است:

جدول (۳): نتایج آزمون اف لیمر

آماره	احتمال آماره
21,97	0.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتیجه بدست آمده از آزمون فوق، آماره آزمون کمتر از ۵٪ بدست آمده است. بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر انتخاب روش تلفیقی رد شده و مدل بر اساس روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌گردد.

### آزمون هاسمن

برای استفاده از روش اثرات ثابت یا تصادفی، آزمون هاسمن را انجام می‌دهیم که نتایج آن به شرح ذیل است:

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

آماره	احتمال آماره
38,13	0.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجاییکه آماره احتمال آزمون هاسمن کوچکتر از ۵٪ درصد بدست آمده، لذا فرض صفر آزمون مبنی بر انتخاب روش اثرات تصادفی رد شده و مدل بر اساس اثرات ثابت انتخاب می‌شود.

### آزمون خودهمبستگی

برای بررسی وجود خودهمبستگی بین متغیرهای مدل با دوره‌های قبلی‌شان از آزمون خودهمبستگی Wooldridge استفاده می‌کنیم که نتیجه آن قرار ذیل است:

جدول (۵): نتایج آزمون خودهمبستگی

مقدار آماره	احتمال آماره
2,464	0.1605

منبع: یافته‌های تحقیق

فرض صفر این آزمون بیان می‌کند که خودهمبستگی وجود ندارد، با توجه به نتیجه بدست آمده ملاحظه می‌شود که احتمال آماره آزمون بزرگتر از ۵٪ است و فرض یک آزمون رد شده و فرض صفر تایید می‌شود. به عبارتی مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

### آزمون ناهمسانی واریانس

از آنجاییکه مدل بر اساس اثرات ثابت انتخاب گردید، لذا برای بررسی ناهمسانی واریانس‌ها از آزمون والد تعدیل شده استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون بیان می‌کند که مشکل ناهمسانی واریانس‌ها وجود ندارد. نتیجه آزمون متذکره قرار ذیل است:

جدول (۶): نتایج آزمون والد تعدیل شده برای بررسی ناهمسانی واریانس

مقدار آماره	احتمال آماره
1806,17	0.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتیجه بدست آمده در جدول (۶) احتمال آماره آزمون کوچکتر از ۵٪ است، لذا فرض صفر رد شده و به عبارتی مشکل ناهمسانی واریانس‌ها وجود دارد.

## تخمین نهایی مدل تحقیق

همانطور که ملاحظه گردید، تا حال آزمون‌های مانایی، همجمعی و تشخیصی متغیرهای تحقیق مطابق به مبانی نظری اقتصادسنجی روش تحقیق لحاظ گردید. حال بعد از انجام آزمون‌های فوق باید مدل نهایی تحقیق خویش تخمین زده و به تجزیه و تحلیل نتایج حاصله آن بپردازیم.

مدل نهایی تحقیق بدون در نظر گرفتن خودهمبستگی و با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) تخمین زده می‌شود. نتایج حاصله به شرح ذیل است:

جدول (۷): نتایج تخمین روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته

متغیرها	ضرایب	Z محاسبه شده	احتمال
عرض از مبدأ	45,47918	6,27	0,000
اندازه دولت	-3,621382	-9,05	0,000
تشکیل سرمایه ناخالص	0,3557619	2,59	0,010
حجم تجارت	0,0767248	1,84	0,066
نرخ تورم	-0,4841691	-3,54	0,000
نرخ رشد جمعیت	-2,440725	-1,64	0,102
تعداد مشاهدات: 96			
تعداد مقاطع: 8			
تعداد سال‌ها: ۱۲			
آماره Chi2 مدل نهایی: 387,17			
احتمال آماره: 0.0000			

منبع: یافته‌های تحقیق

$$GY = (-3, 621382) GC + (0, 3557619) INV + (0, 0767248) OPEN - (0, 4841691) INF - (2, 440725) PG$$

در جدول (۷) اثرات تغییرات متغیرهای اندازه دولت، تشکیل سرمایه خالص، حجم تجارت، نرخ تورم و نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته در کشورهای شامل تحقیق نشان داده شده است. طوری که در جدول مشاهده می‌گردد عرض از مبدأ برای کشورهای شامل تحقیق (۴۵/۴۷) بدست آمده و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. همچنین با توجه به جدول فوق، در صورت ثابت بودن سایر متغیرهای تحقیق و بر اساس ضریب برآوردی الگو، اندازه دولت در مدل اثر معنی‌داری بر

رشد اقتصادی این کشورها داشته و علامت ضریب آن منفی است. طوری که یک واحد افزایش در اندازه دولت منجر به کاهش  $3/62$  واحد رشد اقتصادی در کشورهای شامل تحقیق شده است. معنی دار بودن احتمال آماره اندازه دولت نیز بیانگر وابستگی رشد اقتصادی با آن است. لذا اندازه دولت در کشورهای متذکره تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. آماره احتمال متغیر تشکیل سرمایه ناخالص کوچکتر از ۵ درصد بدست آمده و این وابستگی رشد اقتصادی با متغیر تشکیل سرمایه ناخالص را نشان می‌دهد. به عبارتی، رابطه معنی‌داری بین تشکیل سرمایه خالص و رشد اقتصادی در کشورهای شامل تحقیق وجود داشته و میزان سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی آنها تأثیر مثبتی دارد. حجم تجارت در کشورهای شامل تحقیق، نظر به احتمال آمار آن از معنی‌داری لازم برای ارتباط با رشد اقتصادی برخوردار نمی‌باشد. متغیر حجم تجارت تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشورهای ذکر شده ندارد. نظر به اینکه احتمال آماره متغیر نرخ تورم کوچکتر از ۵ درصد بدست آمده است، لذا متغیر مذکور تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای شامل تحقیق دارد. علامت ضریب نرخ تورم منفی بوده و این بدین معنی است که افزایش یک واحد در نرخ تورم باعث کاهش  $0/48$  واحد در رشد اقتصادی کشورهای مذکور خواهد شد. از آنجاییکه رشد جمعیت در بعضی از کشورهای شامل تحقیق بلند است و آنها از جمعیت بیشتری نسبت به سایر کشورهای دیگر دارند، لذا احتمال آماره متغیر مذکور بزرگتر از ۵ درصد بوده و علامت منفی است. بنابراین متغیر رشد جمعیت با رشد اقتصادی رابطه معنی‌داری ندارد.

### نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر بر پایه متد رهیافت داده‌های تابلویی و برای دوره ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴، به بررسی اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ۸ کشور منتخب قلب آسیا پرداخته است. با توجه به نتایج یافته‌های تحقیق، از آنجاییکه اندازه دولت بر رشد اقتصادی اثری منفی داشته، بنابراین مطابق به دیدگاه اول که در بخش مبانی نظری تحقیق بیان شد: اندازه بزرگتر دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. اعمال دولت از ناکارایی برخوردار است. برای مثال، عهده‌دار شدن سرمایه‌گذاری‌های عمومی با هزینه‌های سنگین و مالکیت ناکارا در بخش‌های زراعت، صنعت، انرژی، بانک و خدمات مالی، امکانات را برای سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی کاهش می‌دهد. در نتیجه در بلندمدت اندازه بزرگتر دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این تأمین بودجه دولت از طریق بدهی‌های داخلی و خارجی، سیستم‌های مالی خصوصی را تحت فشار قرار می‌دهد و در نتیجه فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌های سودآور را از بخش‌های خصوصی می‌گیرد.

از آنجاییکه متغیر تورم بر رشد اقتصادی کشورهای شامل تحقیق تأثیر معنی‌دار و منفی داشته است، لذا مطالعاتی که نشان‌دهنده اثر منفی تورم بر رشد اقتصادی را نشان داده، بدرستی تأیید می‌کند، مثلاً استوکمن، گوریو در مطالعات خود نشان دادند که تورم اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه‌شان دارد.

در کشورهای در حال توسعه یکی از عوامل اصلی عدم رشد مسأله کمبود سرمایه است و بیشتر مباحث بر آن تمرکز دارد که چرا سرمایه‌گذاری در این کشورها انجام نمی‌گیرد. بنابراین مطابق به نتایج تحقیق، متغیر تشکیل سرمایه ناخالص اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای شامل تحقیق شده و افزایش در آن باعث افزایش رشد اقتصادی می‌گردد.

متغیرهای نرخ جمعیت و حجم تجارت اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای شامل تحقیق نداشته است.

### پیشنهادات

با توجه به نتایج حاصله از تخمین مدل تحقیق، به منظور رشد اقتصادی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورهای مورد مطالعه پیشنهاد می‌گردد تا با کاهش مخارج مصرفی دولت، فراهم کردن زمینه لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری، اتخاذ سیاست‌های صحیح در جهت افزایش رشد اقتصادی خویش تدابیر لازمه را اتخاذ نمایند.

## منابع

- دهقانی، منتظری، شورکچالی و صادقی، علی، جلال و سید کمال. (۱۳۹۰). تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد پایین. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال پنجم، (شماره ۱): ۱۰۷-۹۱
- شجاعی، سعید. (۱۳۸۶). *اثر مخارج بهداشتی، نیروی کار و سرمایه بر رشد اقتصادی کشور ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صیانزاده، علی (۱۳۸۳). *بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی. پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- کیهانی حکمت، رضا. (۱۳۸۳). متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۰): ۶۲-۷۰
- تاری، فتح الله و ستاری، رسول. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر مخارج دولت و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۵(۱۶): ۱۸۱-۱۵۳
- زیبایی، منصور و مظاهری، زهرا. (۱۳۸۸). اندازه دولت و رشد اقتصادی ایران با تاکید بر رشد بخش کشاورزی: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای. *مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، ۳۳(۱): ۲۰-۱۱
- قلی زاده، علی اکبر. (۱۳۸۳). رویکردی بر تعیین اندازه بهینه دولت (بر مبنای بودجه عمومی دولت). *مجله برنامه و بودجه*، ۸۵(۸۵): ۵۷-۱۹
- کیمجانی، اکبر و نظری، روح الله. (۱۳۸۸). تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۹(۳): ۳۹-۱
- گسکری، ریحانه و اقبالی، علیرضا. (۱۳۸۶). اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۸۱(۸۱): ۲۲۶-۲۰۹
- محمدی، تیمور و سلمانی، محمدرضا. (۱۳۷۳). آزمون الگوی رشد درون‌زا برای اقتصاد ایران براساس رهیافت VAR، تهران، *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۱۵، ص ۱۷۲.
- پژوهان، جمشید و فقیه‌نصیری، مرجان. (۱۳۸۸). اثر رقابت‌مندی بر رشد اقتصادی با رویکرد الگوی رشد درون‌زا، تهران، *پژوهش‌های اقتصادی*، ص ۱۰۳.
- تودارو، مایکل. (۱۳۷۸). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ هشتم، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- محمدزاده اصل، نازی. (۱۳۸۱). آزمون نظریه رشد نئوکلاسیک، تهران، *پژوهش‌های اقتصادی*، ص ۷۳.
- Barro, R. J. (1990). Government spending in a simple model of endogenous growth. *The Journal of Political Economy* 98 (5) 2: 103-125.
- Barro, R. J. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *Quarterly Journal of Economics* 106: 407-444.



- Albatel, A. H. (2009). The Relationship between government expenditure and economic growth in Saudi Arabia. *J. King Saud Univ.* 12 (12):173-191.
- Alexiou, C. (2007). Unraveling the 'mystery' between public expenditure and growth: empirical evidence from Greece. *Internation Journal of Economics*, 1(1):21-31.
- Devarajan, S., & Swaroop, V. & Zou, H. (1996). The Composition of Public Expenditure and Economic Growth. *Journal of Monetary Economics*, 37:313-44.
- Ghura, D. (1995). Macro Policies, External Forces and Economic Growth in Sub Saharan Africa, *Economic Development and Cultural Change*, 43(4):759-78.
- Gupta, S. Clements, B., Baldacci, E., & Mulas-Granados, C. (2005). Fiscal Policy, Expenditure Composition and Growth in Low-Income Countries. *Journal of International Money and Finance*, 24:441-63.
- Guseh, J.S. (1997). Government Size and Economic Growth in Developing Countries: a Political-Economy Framework, *Journal of Macroeconomics*, 19(1):175-192.
- Hesieh, E. & Lai, K. (1994). Government Spending and Economic Growth: the G-7 Experience, *Applied Economics*, 26:535-542.
- Hakro, A. N.(2009).Size of Government and Growth Rate of Per Capita Income in Selected Asian Developing Economics, *International Research Journal of Finance and Economics*, 28:52-65.
- Karikari, J. A. (1995). Government and Economic Growth in a Developing Nation: the Case of Ghana. *Journal of Economic Development*, 20(2):85-97.
- Knoop, T. A. (1999).Growth Welfare, and the Size of Government, *Journal of Economic Inquiry*, 37(1):103-119.
- Landaue, D.(1986).Government and Economic Growth in the Developing Countries: and empirical study for 1960-80, economic developing and cultural change (Chicago), *nerd working paper*,35(8):5-15.
- Lizardo, R. & Mollick, A. V. (2009). Can Latin America Prosper by Reducing the Size of Government? *Cato Journal*, 29(2):247-266.
- Romer, P. M. (1990). Capital, Labor and Productivity Brokings paper in Economic Activity: *Microeconomics*, PP.337-367.
- Roy, A. G. (2009). Evidence on Economic Growth and Government Size. *Applied Economics*, 41, PP.607-614.